

«شاه لیر»

از شکسپیر

صدف ایزددوست

مقدمه

باقر ساروخانی

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

عنوان کتاب

ناشر

گردآورنده، مترجم و ویراستار

طراح جلد

صفحه آرای

نویت چاپ

شمارگان

شابک

: وست، مایکل، اقتباس کننده Veseth, Michael

: " شاه لیر " / از شکسپیر؛ بازنویسی مایکل وست؛ تصویرگر ویکتور جی. امبروس؛

ترجمه‌ی صدیقه ایزددوست؛ مقدمه باقر ساروخانی.

: تهران: نشر تماس، ۱۳۹۸.

: ۸۳ ص.

: ۱۶۰۰۰۰ ریال : 978-622-95427-1-2

: فیبا

: کتاب حاضر اقتباسی از کتاب " شاه لیر " نوشته ویلیام شکسپیر است.

: بالای عنوان: تحلیل اجتماعی آثار برجسته جهان.

: تحلیل اجتماعی آثار برجسته جهان.

: شکسپیر، ویلیام، ۱۶۱۶-۱۵۶۴ م. شاه لیر -- اقتباس‌ها

: Shakespeare, William, 1564-1616 King Lear -- Adaptations

: نمایشنامه انگلیسی -- قرن ۲۰م.

: English drama -- 20th century

: امبروس، ویکتور جی.، ۱۹۳۵ - م. تصویرگر

: Ambrus, Victor, G.

: زددوست، صدیقه، ۱۳۴۲ - مترجم

: ساروخانی، باقر، ۱۳۸۰ - مقدمه‌نویس

: PR

: ۳۳/۸۲۲

: ۵۷۳۲۵۶۶

: شاه لیر

: نشر تماس

: صدیقه ایزددوست

: استودیو تماس

: مریم باقری

: اول

: ۵۰۰

: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۲۷-۱-۲

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۲۰	مقدمه مترجم
۳۰	معرفی نویسنده شاه لیر
۳۵	آثار شکسپیر
۳۷	شخصیت‌ها
۳۸	نسخه داستان
۴۳	داستان شاه لیر

مقدمه

شاه لیر: داستان زندگی

آنچه در صفحات بعد می‌بینید، داستان مردی از سلاله شاهان است: شاه لیر.

او سرزمینی وسیع در اختیار دارد، ثروت بسیار دارد و چهار فرزند:

سه دختر و یک پسر. زندگی آرام جریان دارد، شاه هم پدر و هم فرمانده خانراست، او شاه است و فرمانش مطاع. یعنی فرزندان او را رئیس خود می‌دانند، شغل‌شان، سمت‌شان، همگی به او مربوط است.

با آنچه آمد، خانواده پدر سالار و دیرینه‌ایل داریم. هرم قدرت عمودیست، گفتار پدر، همان فرمان است و بود فرزندان نیز از اوست. حالا، در این خانه آرام، اتفاقی خاص رخ می‌دهد:

پدر، شاه لیر، تصمیم غریبی در ذهن دارد و آن تقسیم دارائی یا به بیان بهتر، سرزمینش به فرزندان دختر است. موسیقی آرامی نواخته می‌شود، شاه با همان ابهت وارد می‌شود و فرزندان را فرا می‌خواند:

دختر نخست را می‌پرسد، مرا چگونه می‌بینی؟ پاسخ او غرق در چاپلوسی است تا آنجا که کلمه‌ای برای تمجید و ستایش از پدر تابناکش نمی‌یابد، شاه خرسند از این سخنان جزء وسیعی از سرزمین را به او می‌سپارد.

دختر دوم را احضار می‌کند، او نیز چنین است. دختران در مسابقه تملق قرار می‌گیرند. نمی‌دانند چه بگویند تا شاه را خشن آید. در هر حال، دخت دوم نیز سرافراز بیرون می‌آید و شاه جزء وسیعی از سرزمینش را به او می‌سپارد. نوبت به دخت سوم می‌رسد و شاه در انتظار کلماتی بس زیبار تملق‌آمیز از اوست. لیک چنین نیست، کوردلیا، با این بی‌بی‌بی‌نواز نیست، دلایل خاصی هم دارد. از جمله آنکه، فعلاً شوهر ندارد، ولی اگر شوهر کنم دیگر همه قلبم به پدرم تعلق ندارد. او از طرفی نیز دو دخت دیگر را مورد نقد قرار می‌دهد، آنان شاهر دارند، اما پدر را غرق ستایش می‌کنند. و حال آنکه من می‌دانم که آنان به شوهرشان تعلق دارد.

در هر حال، چیزی نمی‌گذرد، شاه از سخنان سرد کوردلیا می‌رنجد، سرزمینی به او واگذار نمی‌کند و حتی زمانی که پسرش کنت به پدر اعتراض می‌کند، او را از کاخش می‌راند.

از اینرو داستان آغاز می‌شود، حاکی از رقابت و برندگان، حتی دیوانه شدن پادشاه و قتل و خونریزی. حال، سخن این است، شکسپیر به‌عنوان یکی از بزرگان و نام‌آوران جهان تراژدی چه پیامی دارد؟ در هر حال، سخن نویسندگان نامدار چیست؟ سطور زیر تفسیرهای را دربردارد.